

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه معارف اسلامی

رساله کارشناسی ارشد
گروه: مدرسی معارف اسلامی
گرایش مبانی نظری اسلام
عنوان:

تبیین رابطه واجب الوجود و عالم امکان با تفسیر
صفت صمدیت واجب الوجود در حکمت صدرایی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامحسین گرامی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر قیومی

نگارش:

منا تکاورنژاد

۱۳۹۳

کلیه حقوق این پایان‌نامه اعم از چاپ، تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه، اقتباس و ...
برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.

تقدیم نامه:

این نگاشته که حاصل رنج‌های فراوان و دیده برهم نبستن تا دیرگاه و غوطه خوردن در ژرفای دریای دانش صمدی را تقدیم به همه آنانی که مصداق حقیقی متعمقان و مجاهدان راه توحید صمدی هستند، می‌کنم.

سپاس و قدردانی:

سپاس تو را ای بخشنده خیر و خوبی، وجود و بخشش؛ ای جاعل هر وجود و فاعل هر موجود، به حق الوهیت دروازه‌های رحمتت را به رویمان بگشای و دست‌یابی و رسیدن به کمال معرفتت را بر ما آسان فرما، بر دیده دل‌های ما مشاهده غیر خودت را قرار مده.

ای همه هستی ز تو پیدا شده	خاک ضعیف از تو توانا شده
آنچه تغییر نپذیرد تویی	و آنچه نمرده است و نمیرد تویی
ما همه فانی و بقا بس تو راست	ملک تعالی و تقدس تو راست

و درود بر حبیب و محبوبت مصطفی و رسول برگزیده‌ات مجتبی - احمد محمود - باد که سر سلسله وجود غایت ایجاد هر موجود است - و بر امیرمؤمنان علی - و بر آل و عترت معصومش که بهترین آل و برترین عترت‌اند.

از اساتید با کمالات و شایسته جناب آقایان دکتر غلامحسین گرامی و دکتر محمدباقر قیومی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی مرا در این نگاشته صمیمانه و مشفقانه یاری کرده‌اند، کمال تشکر را دارم.

و همچنین از پدر و مادر عزیز، دلسوز و مهربانم که آرامش روحی و آسایش فکری فراهم نمودند، سپاسگزاری می‌نمایم.

و اما در آخر از دوستان با محبتم خاضعانه تشکر می‌کنم.

چکیده

سوره توحید از سوره‌های کوچک قرآن بشمار می‌رود اما براساس برخی روایات ثلث آن محسوب شده؛ و بر مبنای کلام حضرت سید الساجدین می‌توان نزول آن را برای متعمقان آخرالزمان دانست. از میان مختصر مفردات این سوره واژه صمد اهمیت ویژه‌ای دارد و در روایات معصومین (ع) و همچنین نوشته‌های فلاسفه مسلمان مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر تبیین رابطه واجب‌الوجود و عالم امکان در افق فکری صدرالمتهلین جایگاه ویژه‌ای در موضوعات فلسفی داشته است در حکمت متعالیه صدرایی رابطه واجب‌الوجود و عالم امکان به گونه‌ای متفاوت تبیین می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش شده تا رابطه واجب تعالی و عالم امکان از دیدگاه ملاصدرا و براساس تفسیری که وی از صفت صمدیت خداوند متعال دارد تبیین شود.

براساس دیدگاه ملاصدرا صمد بودن واجب تعالی دو معنا دارد یکی جوف نداشتن و دیگری مقصود در حوائج بودن است. در پرتو لا جوف له، حق تعالی که ملازم با نفی هرگونه کثرت از هر جهت و حیثیت از ذات حضرت صمدی است و ممکنات با میان‌تهی بودن و زائد بودن وجود بر ذات ممکنات اجوفی؛ نظریه توحید وجودی و فقر وجودی و با توجه به رابطه فقر و غنی میان واجب تعالی و ممکنات موجب می‌شود. معنای دوم صمد یعنی مصمودیت و تحلیل آن در تبیین رابطه واجب و ممکن با توجه به استجماع ذات واجب نسبت به همه کمالات و منشأ خیرات و برکات بودن آن و نیازمندی تمامی مخلوقات از تمامی جهات به آن مصمود و مقصود عالم، موجب جریان عشق در سراسر عالم و حرکت به سوی او می‌گردد.

واژگان کلیدی

رابطه، واجب‌الوجود، ممکن‌الوجود، صمد، حکمت، ملاصدرا.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
۳	۱. فصل اول: کلیات.....
۴	۱ - ۱. مقدمه.....
۴	۲ - ۱. تبیین مسئله.....
۵	۳ - ۱. پیشینه تحقیق.....
۵	۴ - ۱. پرسش‌ها.....
۵	۱ - ۴ - ۱. پرسش اصلی.....
۵	۲ - ۴ - ۱. پرسش‌های فرعی.....
۶	۵ - ۱. فرضیه‌های تحقیق.....
۶	۶ - ۱. اهداف تحقیق.....
۶	۷ - ۱. روش تحقیق.....
۷	۸ - ۱. نوآوری تحقیق.....
۷	۹ - ۱. مفاهیم.....
۷	۱ - ۹ - ۱. واجب‌الوجود.....
۷	۲ - ۹ - ۱. عالم امکان.....
۸	۳ - ۹ - ۱. صمد.....
۸	۴ - ۹ - ۱. سوره توحید.....
۱۰	۵ - ۹ - ۱. حکمت.....
۱۰	۱۰ - ۱. ملاصدرا.....
۱۰	۱ - ۱۰ - ۱. زندگی‌نامه.....
۱۲	۲ - ۱۰ - ۱. امتیازات آراء و روش ملاصدرا در تحریر مباحث علمی.....
۱۳	۳ - ۱۰ - ۱. معرفی آثار و بعضی از نظریات ملاصدرا.....
۱۶	۴ - ۱۰ - ۱. فهرست آثار صحیح و قطعی ملاصدرا شیرازی.....
۱۸	۱۱ - ۱. ساختار و سازماندهی تحقیق.....
۱۹	۲. فصل دوم: مفهوم شناسی صمد.....
۲۰	۱ - ۲. صمد در لغت.....
۲۴	۲ - ۲. تفسیر «صمد» در روایات.....
۳۳	۳ - ۲. «صمد» از نگاه مفسران.....
۳۹	۴ - ۲. «صمد» در اصطلاح صدر المتألهین.....
۴۱	پی‌نوشت‌های فصل دوم.....
۴۳	۳. فصل سوم: معنای نخست صمد، جوف نداشتن.....
۴۴	۱ - ۳. مفهوم جوف در لغت.....
۴۶	۲ - ۳. تبیین فلسفی لا جوف بودن واجب‌الوجود.....

- ۳-۲-۱. اقسام ترکیب ۴۶
- ۳-۲-۱. ترکیب شیمیایی ۴۷
- ۳-۲-۱. ترکیب از ماده و صورت خارجی ۴۷
- ۳-۲-۱. ترکیب از جنس و فصل ۴۸
- ۳-۲-۱. ترکیب از ماده و صورت ذهنی ۴۸
- ۳-۲-۱. ترکیب از اجزای مقداری ۴۸
- ۳-۲-۱. ترکیب از وجود و ماهیت ۴۹
- ۳-۲-۱. ترکیب از وجود و عدم ۴۹
- ۳-۲-۱. ترکیب از جوهر و عرض ۴۹
- ۳-۲-۲. نفی ترکیب از واجب تعالی ۵۰
- ۳-۲-۳. نفی ماهیت از واجب الوجود ۵۳
- ۳-۲-۴. براهین نفی ماهیت از واجب الوجود ۵۵
- ۳-۲-۵. نفی ترکیب وجود و عدم از باری تعالی ۵۷
- ۳-۳. پیامدهای خداشناسی لا جوف له ۶۰
- ۳-۳-۱. عینیت صفات و ذات ۶۰
- ۳-۳-۲. یگانگی در ذات مضمود (احد) ۶۵
- ۳-۴. تبیین رابطه واجب الوجود و عالم امکان در پرتو لا جوف له ۶۵
- ۳-۴-۱. وجود مستقل و رابط ۶۶
- ۳-۴-۲. وجود مستقل ۶۷
- ۳-۴-۳. وجود رابط ۶۷
- ۳-۴-۴. تعریف امکان فقری ۶۸
- ۳-۴-۵. دلیل اصالت وجود ۶۸
- ۳-۴-۶. جایگاه نظریه وجود رابط در فلسفه ملاصدرا ۶۹
- ۳-۴-۷. نسبت ممکنات با واجب ۷۰
- پی‌نوشت‌های فصل سوم ۸۲
- ۴. فصل چهارم: معنای دوم صمد، مقصود بودن** ۸۴
- ۴-۱. تبیین فلسفی مضمودیت واجب الوجود ۸۵
- ۴-۱-۱. اثبات واجب الوجود من جمیع الجهات ۸۵
- ۴-۱-۲. ممکن الوجود، ممکن من کل وجوه ۹۰
- ۴-۲. پیامدهای خداشناسی مضمودیت ۹۳
- ۴-۲-۱. یگانگی مضمود (واحد) ۹۳
- ۴-۲-۲. احاطه‌ی صمدی ۹۶
- ۴-۳. تبیین رابطه واجب و عالم امکان در پرتو مضمودیت ۹۷
- ۴-۳-۱. المقصود الیه فی الحواجج ۹۷

۹۹ ۴-۳-۲. مراتب الحب فی الموجودات
۱۰۲ ۴-۳-۳. سریان الحب فی عالم الوجود
۱۰۸ ۴-۳-۴. قرب به خدا
۱۱۰ ۴-۳-۵. مصمود عالم
۱۱۵ جمع بندی و نتیجه گیری
۱۱۸ فهرست منابع
۱۱۸ کتب فارسی
۱۱۸ کتب عربی
۱۲۲ مقالات
۱۲۲ نرم افزارها

پیشگفتار

چنان‌که بر اهل فن پوشیده نیست، از جمله کنکاش‌های مفهومی فیلسوفان الهی در زمینه خداشناسی رابطه موجود میان واجب و ممکن است و چگونگی ربط میان خدا - اولی که هیچ اولی قبل از او نیست و آن آخری که هیچ آخری بعد از او نیست و آن ظاهری که باطن است و آن باطنی که ظاهر است - با مظاهر خویش است؛ و این‌که رابطه موجود میان بی‌نیاز مطلق و نیاز مطلق چگونه مطرح است.

حال از آن‌جا که فلسفه اسلامی، در عصر حاضر عمدتاً با افکار و اندیشه‌های فلسفی ملاصدرای شیرازی شناخته می‌شود. وی در عین حال که بسیاری از مطالب فلسفه یعنی «حکمت متعالیه» را از فیلسوفان قبلی گرفته است، خود نیز دارای افکار و آراء ابتکاری متعدد است. از آن‌جا که عظمت و مهارت فلسفی هر فیلسوفی را باید در اندیشه‌های نو و ابتکاری جستجو کرد در این نوشته به توضیح و بسط یکی از مطالبی که در فلسفه صدرا تحت عنوان صمدیت مورد توجه واقع شده است، می‌پردازیم؛ و در صدد تبیین رابطه مورد نظر در افق فکری صدرا که خود رهیافت‌های برهانی را با استشهاد به آیات قرآنی تایید می‌نماید و اثبات می‌کند، هستیم.

در پژوهش حاضر مطالب گوناگون فلسفی از بساطت وجودی تا حرکت حبی بسوی واجب‌الوجود مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و برای تبیین رابطه واجب و ممکن پژوهش را تحت دو معنا از صمد تنظیم می‌شود. البته نگارنده ادعا نمی‌کند که نوشته حاضر از خطا و لغزشی مصون بوده و چنان‌که باید آن را درآورده است. از این‌روی از ارباب دقت و براعت تقاضا دارد از لغزش و ضعف این اثر نگارنده را آگاه گردانند تا ماده نقص به تدریج به صورت کمال درآید.

مطالب پایان‌نامه در ۴ فصل به شرح ذیل تنظیم شده است:

فصل اول: کلیات؛

فصل دوم: مفهوم شناسی صمد؛

فصل سوم: معنای نخست صمد، جوف نداشتن؛

فصل چهارم: معنای دوم صمد، مقصود بودن.

۱. فصل اول:

کلیات

۱-۱. مقدمه

پیش از ورود به اصل بحث، باید مسایل مقدماتی و کلیات مربوط به ماهیت و مؤلفه‌های تحقیق معرفی شوند. این موارد عبارت‌اند از: تبیین مسئله، پیشینه تحقیق، پرسش‌های اصلی و فرعی، فرضیه تحقیق، اهداف تحقیق، روش تحقیق و نوآوری‌های تحقیق.

۱-۲. تبیین مسئله

به یقین یکی از ویژگی‌های خط راستین عالمان منهج اهل بیت (ع) اعتقاد راسخ به قاعده تلازم عقل و شرع است. حکیمان شیعی این تلازم را نه تنها در ابواب نورانی فقه که در حکمت، همواره، به طریق اولی ساری و جاری دیده‌اند. با این نظر آیات قرآن کریم و کلمات معصومین (ع) نزد ایشان سه نقش اساسی: طرح پرسش، پاسخ و تایید پاسخ را داشته است. امروزه شاید بتوان از نقش چهارمی نیز سخن گفت: عناوینی کوتاه، و گاه در حد یک کلمه، برگرفته از ثقلین است؛ که این عناوین با وجود دسترسی، لزوماً، یکباره مورد توجه و استفاده واقع نشده؛ بلکه با کمال یافته‌ها و در کنار هم آمدن آن‌ها اخذ و رایج شده‌اند. یکی از این عناوین که بار عمیقی را در خود نهفته دارد، صمدیت است. واژه «صمد» تنها یکبار در قرآن کریم و آن هم در سوره مبارکه توحید استفاده شده است. این سوره گرچه در زمره سوره‌های کوچک قرآن بشمار می‌رود، اما ثلث آن محسوب شده و بر مبنای کلام حضرت سیدالسادین می‌توان نزول آن را برای متعمقان آخرالزمانی دانست. از آنجا که اصول دین اسلام عبارت است از توحید، نبوت و معاد؛ بزرگان اهل نظر بر این باورند که: این سوره تمام معارف توحیدی را در خود جای داده است پس از نظر معنایی در حکم یک سوم معارف قرآن کریم خواهد بود لذا اطلاق ثلث قرآن کریم بدان خالی از هر گونه غلو است. از میان مختصر کلمات این سوره به نظر می‌رسد واژه «صمد» مورد پرسش واقع شده باشد چرا که کمینه فقط دو مورد پرسش از آن از حضرت سیدالشهداء (ع) در کتب روایی به چشم می‌خورد؛ در عین حال باز تا دوره معاصر نمی‌توان به این واژه «عنوان» اطلاق کرد. آنچه که مسلم است این‌که شناخت این واژه در حد یک عنوان در دوره اخیر، مرهون تلاش فکری و قلمی علامه حسن‌زاده آملی می‌باشد که در مباحث فلسفی و عرفان نظری خود با عنوان توحید صمدی مطرح نموده‌اند. آشکار است که گام‌های این اندیشمند والا، نافی درک علمی حکیمان گذشته نیست؛ آنان نیز مجاهداتی فکری بسیار ارزشمند در ذیل این کانون داشته‌اند، با این تفاوت که آنچه در ذیل صدف صمدیت مستتر است در آثار برجای مانده از این حکما، پراکنده است و همگی بلند می‌خواهد که با غور در این آثار آنچه که متعلق به این گنجینه است را بیابد و در کنار هم جای دهد. کمترین نتیجه چنین کاری، شکل‌گیری منظومه فکری هر یک از این تلاشگران عرصه فکر است که قابلیت شناخت اندیشه آنان، مقایسه افکار ایشان و عرضه ره‌آوردشان را

فراهم می‌سازد.

از آن‌جا که در دوره‌های اخیر، اهل معرفت در کارزار اندیشه همواره افق فکری جناب صدرالمتألهین را در موضوعات به رصد و تحلیل نشسته‌اند و از ایشان ذیل عنوان صمدیت، به دلیل پیش‌گفته، مطلب مبسوطی یافت نمی‌شود؛ این پایان‌نامه با هدف یافتن، چینش و تبیین رابطه مورد نظر از منظر این عالم صمدانی تلاشی در خور وسع را آغاز خواهد کرد و با توجه به این هدف، مسیر خود را با دو معنایی که ملاصدرا از صمد بیان کرده‌اند، طی می‌کند؛ فصل نخست به مفهوم شناسی صمد و فصل بعدی به تبیین رابطه مورد نظر در پرتو صمد به معنای لاجوف له و فصل پایانی به تبیین رابطه مورد نظر در پرتو صمد به معنای مضمودالیه فی الحوائج اختصاص خواهد داد.

۱ - ۳. پیشینه تحقیق

واقعیت آن است که هر قدر جستجو کردیم اثر پژوهشی مشابه تحقیق حاضر یافت نشد. البته درباره تفسیر صمد مطالب زیادی در تفاسیری همچون: المیزان، تبيان، نورالثقلین، مفاتیح الغیب و غیره می‌باشد و مقالاتی نظیر: تفسیر سوره توحید نویسنده محمدحسین درایتی، تفسیر سوره اخلاص نویسنده سیدمحسن میرباقری، توحید صمدی حسن زاده آملی و افراد دیگر نوشته شده همچنین تبیین رابطه واجب تعالی و عالم امکان همواره مورد توجه حکمت و اهل تعقل بوده از جمله ابن سینا. البته در این راستا مقالاتی همچون فقر و جودی انسان در قرآن با رویکرد فلسفی - عرفانی نویسنده محمدجواد رودگر، خدا و وابستگی ذاتی جهان نویسنده رنجبر حقیقی و محققانی دیگر سخن گفته‌اند؛ اما این که این رابطه را از دریچه صفت صمدیت واجب تعالی بررسی کرده باشند چه در حکمت صدرایی و یا غیر آن اثر مستقلی نگارنده مشاهده نکرده است. بدیهی است این امر دشواری‌های تحقیق حاضر را برای نویسنده چندین برابر کرد.

۱ - ۴. پرسش‌ها

۱ - ۴ - ۱. پرسش اصلی

از دیدگاه ملاصدرا رابطه واجب‌الوجود و عالم امکان براساس تفسیر صمدیت چگونه تقریر می‌شود؟

۱ - ۴ - ۲. پرسش‌های فرعی

مفاهیم محوری تحقیق، پرسش‌هایی را شکل داده‌اند که هر کدام از فصول، به تأمین پاسخ برای یکی از پرسش‌های فرعی اختصاص یافته است. پرسش‌های فرعی تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. مفهوم صمد چیست؟
۲. چنانچه صمدیت به معنی لاجوف له باشد، در این صورت رابطه میان واجب و ممکن چگونه مطرح می‌شود؟

۳. چنانچه صمدیت به معنای المصمود الیه فی الحوائج باشد، در این صورت رابطه‌ی میان واجب و ممکن چگونه بیان می‌شود؟

۱ - ۵. فرضیه‌های تحقیق

۱. معانی مختلفی برای صمد بیان شده ولی هنگامی که این واژه بر واجب تعالی اطلاق می‌شود دو معنای اصلی دارد یکی جوف نداشتن و دیگری مقصود بودن.

۲. اگر صمدیت به معنای لاجوف له است، ممکنات جلوه‌ای از وجود الهی هستند و هرچه هست، خداوند است. این تفسیر با وحدت وجود ارتباط وثیق دارد.

۳. اگر صمدیت به معنای مصمودالیه فی الحوائج است، هر موجودی در هر حاجتی که در عالم وجود تصور شود، به سوی او اظهار حاجت و نیاز خواهد نمود؛ و به عبارتی همه موجودات عشق به او خواهند داشت.

۱ - ۶. اهداف تحقیق

۱. هدف این پژوهش علمی است و در پی تبیین پاسخ این مسئله پر اهمیت است که از دیدگاه ملاصدرا رابطه عالم امکان که عین نیاز است با واجب غنی و بی‌نیاز بر اساس تفاسیر صمدیت الهی چیست؟

۲. رابطه میان واجب و ممکن با اشاره به آیه‌ی الله الصمد و واژه‌ی صمد که بار عمیقی در خود نهفته دارد، از افق فکری صدر المتالهین رصد و تحلیل شود.

۳. برداشتن یک گام به سوی حقیقت رابطه‌ی میان عالم ممکنات با صمد علی الاطلاق است.

۱ - ۷. روش تحقیق

الف) نوع روش تحقیق: روش سامان پژوهش فلسفی حاضر همان روش تحقیق در فلسفه است یعنی بهره‌گیری از روش عقلی محض و یقین‌آور برهان‌انی مبتنی بر ملازمات عامه است.

در این مجال مباحث به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که تامین‌کننده‌ی اهداف فوق باشند؛ به این ترتیب که با بیان معانی مختلف از واژه‌ی صمد چگونگی رابطه‌ی میان واجب و ممکن، با اصول نگرشی حکمت متعالیه ردیابی شده است و از روش توصیفی تحلیلی و توصیفی تبیینی نیز استفاده گردیده است.

ب) روش گردآوری اطلاعات؛ کتابخانه‌ای

پ) ابزار گردآوری اطلاعات؛ فیش برداری

ت) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: سعی شده است تمامی آثار فیلسوف متأله صدرالمتالهین مورد مطالعه قرار گیرد و گزارشی بیان شود و تاجایی که مقدور بوده عین عبارات و یا ترجمه عبارات این

اندیشمند، برای ایضاح مسئله استفاده گردد تا اطمینان بیشتری به گزارش پیدا شود.

۱-۸. نوآوری تحقیق

صمدیت از اوصاف مهم و جامع الهی است که تفاسیر مختلفی درباره آن شده و همواره مورد توجه فلاسفه مسلمان بوده و در پرتو هر کدام از معانی و تفاسیر آن رابطه واجب و ممکن تبیینی خاص خواهد شد. با توجه به نظریات خاص ملاصدرا در این زمینه لازم است این بحث به صورت مستقلی مورد توجه قرار گیرد. البته رابطه واجب تعالی و ممکنات از جهات گوناگون مورد توجه قرار گرفته است ولی بررسی این رابطه در پرتو تفسیر صمدیت الهی صورت نگرفته است.

۱-۹. مفاهیم

۱-۹-۱. واجب الوجود

حکایت از مفهومی است که با وجود ارتباط دارد که ارتباط مورد نظر اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل تخلف است و عقل از پذیرش خلاف آن ابا دارد به عبارت دیگر موجودی که من حیث الذات مصداق موجودیت باشد و حقیقت آن عین هستی است و تحقق یافتنش منوط به موجود دیگری نیست.^۱

۱-۹-۲. عالم امکان

این عبارت از دو واژه «عالم» به معنای ماسوی الله و مشتق از علامت است و جهان وجود را از آن جهت عالم گویند که علامت و نشانه وجود خدا است.^۲ بنابراین عالم یعنی جمیع مخلوقات و جهان آفرینش و «امکان»، این کلمه از نظر مفهوم عامی آن مقابل امتناع است و عبارت از سلب ضرورت از جانب مخالف یا سلب ضرورت از طرف عدم و یا سلب امتناع ذاتی است از جانب موافق چنان که گویند فلان امر ممکن است یعنی ممتنع الوجود نیست و عدم برای او ضروری نیست و معنای خاصی آن که امکان خاصی باشد عبارت از سلب ضرورت هم از جانب موافق و هم از طرف مخالف است و به عبارت دیگر سلب ضرورت از طرف وجود و عدم است.

معنی «فلان امر ممکن است» این است که وجود و عدم هیچ کدام برای آن ضروری و حتمی نیست و موصوف بلا اقتضایی محض است یعنی نه اقتضای وجود دارد و نه اقتضای عدم.

اهل معقول از امکان همین معنی را می‌خواهند و از همین جهت است که امکان خاص را چون اخص از اول است، امکان خاصی گویند.

بنابراین امکان عبارت از لا اقتضایی محض است زیرا که وجود و عدم برای ممکنات ضروری نیست و هر یک از دو طرف وجود و عدم آن‌ها باید مستند به علت باشد و مرجحی باید که موجب رجحان

۱. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، *اسفار*، ج ۱، ص ۱۰۸؛ ج ۶، ص ۱۱؛ ملاصدرا، *المشاعر*، ص ۷۳.

۲. جعفر سجادی، *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*، ص ۳۱۴.

یک طرف و مرجوحیت طرف دیگر شود تا طرف راجح متحقق و واجب بالغیر شود و طرف مرجوح ممتنع بالغیر.^۱

۱-۹-۳. صمد

صمد واژه‌ای قرآنی است که دارای دو معنا است نخست نفی خلأ و تهی بودن از خداوند است که حکایت از بساطت و تام الحقیقه بودن باری تعالی می‌کند و دیگری به معنای مضمودیت و مقصودیت عالم است یعنی تمام گیتی میل و شوق و قصد به سوی آن کامل بالذات و غنی علی الاطلاق دارند؛ که در مباحث آتی بیشتر با این عنوان آشنا خواهیم شد.

۱-۹-۴. سوره توحید

این سوره شریفه از اشرف سوره‌های قرآن مجید است و به اعتباری شریف‌تر و عظیم‌تر از جمیع سوره است چنانچه خواهیم دانست و از برای آن نام‌های بسیار است که برخی از مفسرین همچون فخر رازی به بیست نام اشاره کرده است.

سوره توحید

یکی از نام‌های این سوره «توحید» است زیرا که در شرح توحید و معرفت یگانگی خداوند عالم است و توحید خدا در آن شرح شده به نحوی که مختصرتر و جامع‌تر و کامل‌تر و بالاتر از آن، ممکن نیست و بطوری که عقل‌ها و فهم‌های جمیع خلق در آن حیران می‌شود.

اگر آنچه را که در این سوره مبارکه از سر توحید، بیان شده، مردم بفهمند، برای جمیع ایشان از اولین و آخرین کفایت می‌کند و دیگر محتاج به هیچ سخنی و بیانی در علم توحید نمی‌شود؛ چه در ظاهر توحید و چه در باطن توحید و چه باطن باطن آن و چه غیر اینها از مراتب و مقامات توحید که نهایی از برای آنها نیست.

چنانچه از حضرت سجاد «علیه السلام» از توحید سؤال کردند، فرمودند: «خدای عزّ و جلّ می‌دانست که در آخر الزمان قومی چند، پیدا خواهند شد که تعمق می‌کنند در توحید پس سوره «قل هو الله» و آیاتی که در آخر سوره حدید است، نازل کرد پس هر که از اینها تجاوز کند، هلاک خواهند شد»^۲

مراد از تعمق در توحید، فرو رفتن زیاد و دقت کردن بسیار است. پس اگر بطور حق و از برای زیادتی معرفت و بصیرت باشد البته ممدوح است چرا که توحید، اعظم امور دین است و اساس دین بر آن برپاست؛ و اگر بطور باطل و شکوک و شبهات و وسوسه باشد، البته مذموم است.

سوره اخلاص

۱. همان، صص ۹۷-۹۸.

۲. محمد بن علی بن بابویه، التوحید (للصدوق)، ص ۲۸۳، باب أدنی ما یجزی من معرفة التوحید، ح ۲.

نیز آن را «سوره اخلاص» می‌نامند، زیرا که مشتمل است بر اثبات خالص وحدانیت از برای خداوند عالم جلّ‌شانه و آن‌که یگانگی حقیقتی خالص از برای او است و یگانه‌ای غیر از او بطور حقیقت، نیست و هر کس به نور آن در مسالک توحید سلوک کند، به مقام توحید خالص، فایز خواهد شد که هیچ شائبه شرک در آن نباشد؛ و چون توحید کسی، خالص شود، معرفت او کامل خواهد گشت و چون معرفت، کامل شد در جمیع امور دین خود، اخلاص خواهد ورزید.

اخلاص حقیقی پیدا نخواهد شد، مگر به معرفت و معرفت، کامل نمی‌شود مگر به توحید و توحید حقیقی نیست مگر آنچه در این سوره مبارکه بیان شده؛ چرا که توحید حقیقی، نفی جمیع صفات و سلب جمیع صفات و سلب جمیع حدود و قیودات است به این نحو که خدا را از جمیع صفات و حدود و نسبت‌ها و ربط‌ها و از اقتران با چیزی یا افتراق با چیزی یا اقتران از چیزی یا اتصال به چیزی یا انفصال از چیزی یا داخل بودن در چیزی یا داخل بودن چیزی در او یا در خارج بودن از چیزی یا خارج بودن چیزی از او و هم چنین از سایر صفات و جهات و اعتبارات و اشارات برتر و منزّه و مبرا بدانی و او را در هیچ حدّی از حدود، قرار ندهی.

سوره نسبت

«سوره نسبت» نیز می‌نامند؛ زیرا که نسبت پروردگار است؛ و چنانچه از برای هر یک از خلق، نسبی است که به آن معروف می‌شوند و چون بخواهند خود را به دیگران بشناسانند نسب خود را بیان می‌کنند، هم چنین خدای تعالی در این سوره، نسب خود را در بهتر و جهی بیان فرموده و خود را به خلق خود شناسانیده؛ زیرا که نسب هر چیزی بر حسب خود او است، پس نسب خدا در بی نسبتی است و در این که از جمیع نسبت‌ها و ربط‌ها، منزّه و مبرا است چنان که جمیع صفاتی که به او نسبت داده می‌شود همه به همین نحو است.

پس شناختن او در نشناختن او و یافتن او در نیافتن او و رسیدن به او در نرسیدن به او است و هکذا. پس هم چنین دانستن نسب او و در بیرون بردن او است از جمیع نسبت‌ها.

راه این‌که این سوره را به این اسم نامیده‌اند، این است که از حضرت صادق علیه‌السلام مروی است که از یهود از رسول خدا سؤال کردند و گفتند که نسب خدای خود را برای ما بیان کن. پس سه روز صبر کرد و جواب ایشان را نفرمود. بعد از آن سوره مبارکه نازل شد. تمام شد حدیث شریف^۱.

سوره معرفت

نیز «سوره معرفت» می‌نامند؛ زیرا معرفت خدا تنها با این سوره کامل می‌شود. به تأیید روایتی از جابر

۱. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۹۱، باب النسبة، ح ۱؛ صدوق، *التوحید*، ص ۹۳، باب «قل هو الله احد» ح ۸.

که می‌گوید روزی مردی در نماز سوره قل هو الله أحد را تلاوت کرد پس آنگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: این بنده به معرفت پروردگارش رسید. از این رو سوره معرفت نامیده شد.

سوره جمال

نیز «سوره جمال» نامیده می‌شود؛ به دلیل این روایت که حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «إن الله جميل يحب الجمال» از وی در این خصوص پرسیدند پس فرمود: أحد صمد لم یلد و لم یولد زیرا اگر یگانه و بی نظیر نمی‌بود جایز بود که جانشینی همچون او برای وی می‌بود.^۱

۱-۹-۵. حکمت

از آن جا که پژوهش حاضر در راستای حکمت صدرایی است نه حکمت متعالیه و خاص در آثار صدرالمتألهین می‌باشد لذا پس از تعریف واژه حکمت به معرفی شخصیت، آراء، نظرات و آثار ایشان پرداخته می‌شود.

صدرا با توجه به عنایت قرآن و احادیث به واژه حکمت، آن را بر فلسفه ترجیح می‌دهد. حکمت، فلسفه متجلی در جان و روح و فعل و عمل آدمی است و حاصل نوعی مکاشفه و شهود و فراتر از مباحث نظری و بحثی صرف است. حکمت، دانشی موهبتی و حاصل فیض الهی است؛ اما فلسفه، برای هر صاحب عقلی، پس از کسب مقدمات و اندکی ممارست در مسائل عقلی حاصل می‌شود، لذا تحصیل حکمت برای هر کس میسر نیست و مقدمات و شرایطی دارد که برخی علمی و نظری و برخی عملی و اخلاقی‌اند. آن‌ها در واقع، اخلاق حکمت جویی‌اند و حکیم فردی است متخلق که تبلور حکمت عملی است.^۲

۱-۱۰. ملاصدرا

۱-۱۰-۱. زندگی‌نامه

«فیلسوف عظیم‌الشان صدر المله و الدین، محمد بن ابراهیم بن یحیی قوامی شیرازی معروف به صدرالمتألهین از اعظم حکمای اسلام و افاضل فلاسفه دوران به شمار می‌رود این حکیم بزرگ در علوم الهیه و معارف حقیقه و کثرت تحقیقات مربوط به علم مبدأ و معاد در بین حکما تالی ندارد. در این عالم بزرگ و فیلسوف سترگ و بی‌نظیر، جهات زیادی از فضیلت موجود بوده است که همه آن جهات در کمتر کسی تحقق پیدا می‌کند».^۳

«هنگامی که باب علم به روی غربیان مفتوح گردید و در صدد شکستن سدهای فکری و تجدید

۱. ابو عبدالله محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۳۵۷.

۲. ناصر محمدی، معادله قرآن و حکمت در حکمت صدرایی، حکمت صدرایی، ش ۲، ص ۸.

۳. جلال الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، ص ۲۱.

فلسفه و علم بر آمدند درست در همان زمان این روحانی عظیم از افق فارس در شهر شیراز نمایان گردید و این فیلسوف بی بدیل و مسلط بر فلسفه مشاء و اشراق و با حسن و ابتکاری که مخصوص اوست فلسفه اسلامی را بصورت تازه‌ای در آورد و علیه هرگونه محدودیت‌های علمی و مخصوص در آن وضع نابسامان اخلاقی و شرعی در دوران شاه عباس صفوی، توانست فلسفه‌ای را ابداع کند که راه ترقی و فعالیت فکری را باز کند.

او به حق بر مسند داوری میان عرفان و برهان، حکمت و تصوف، ذوق و بحث و تفکر و تحقق، توفیق بین اصول و قواعد شرع و نفل و بالاخره اشراق و مشاء نشست و حکومتی به عدل و انصاف می‌کند».^۱

این فیلسوف عالیقدر در زمانی ظهور کرد که هم عصر شیخ بهاء‌الدین عاملی، میرداماد و میرفندرسکی بود. «این روحانی عظیم‌الشان هفت سفر به زیارت بیت‌الله داشته است و اغلب این سفرها را پیاده پیموده است. در بصره موقع مراجعت از سفر حج، دعوت حق را اجابت کرده و درخت از این عالم بر بسته است».^۲

دقت نظر در مباحث عقلیه به حد اعلا و تتبع و احاطه کامل به مباحث فلسفی و اقوال اهل دانش، سرعت انتقال و ذوق سرشار، قدرت فکری، قوت و استعداد کم‌نظیر در تحقیق معطلات و حسن سلیقه در انتخاب مطالب، صفا و روشنی ضمیر، اعراض از جملات ظاهریه، اشتغال به ریاضیات و مجاهدات شرعیه، پیروی از طریقه حقه‌ی انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام همه این فضایل در این مرد بزرگ جمع بوده است.^۳

صدرا در نزد اساتید و دانشمندان آن عصر، علوم نقلی و علوم عقلی را تلمذ نمود اما صدرا در افقی عالی‌تر از معاصران خود قرار گرفت و چنانکه در مقدمه کتاب عرشیه‌ی خود می‌نویسد:

«در این رساله برخی از مسائل الهی و نشانه‌های پاک آسمانی که پروردگار گیتی از جهان روشن بر دلم فراز آورد و مرا بدان روشنایی بخشید آورده‌ام مسائلی که دست اندیشه مهمور به آن‌ها نرسیده و گوهرهای درخشانی که در خزینه‌های افکار هیچ‌یک از فیلسوفان مشهور و خردمندان معروف، یافته نشده است».^۴

لذا معتقد است که مرد جوینده حقیقت و عاقل آن‌کسی است که شخصاً درصدد تحقیق برآید تا

۱. همان مؤلف، پیشگفتار سه رساله فلسفی.

۲. یعقوب آژند، تاریخ ایران: دوره صفوی، ص ۳۵۵.

۳. جلال‌الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، ص ۲۳.

۴. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، العرشیه، ص ۲.